



حج اکسیر معجزه گردلها

خدای بزرگ را سپاس می‌گوییم که امسال نیز سعادت حج‌گزاری را به خیل انبوه مؤمنان از سراسر جهان عطا فرمود تا از این سرچشمه‌ی گوارا و فیاض برخوردار شوند و در روزها و شبهایی که ساعات مغتنم و مبارکش، همچون اکسیری معجزه‌گر میتواند دلها را منقلب و جانها را پاکیزه و مزین سازد، در مجاورت خانه‌ی با عظمت خداوند و مواقیت عبادت و خشوع و ذکر و تقرب باشند.

سراسر انقلاب
۹۶/۶/۷

کاشف

هفته‌نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دینتجویم قرآن و عترت
دانشگاه تهران
شماره ۲۱۹

چهارشنبه
۲۹ شهریور ۱۳۹۶

۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۸

kashef@quranetratschool.ir
www.QuranEtratSchool.ir

سال هفتم

خطابه

شش اصل جهاد در سبک زندگی رزمندگان

بیانات آقای اخوت با موضوع جهاد، پنجشنبه ۲۳ شهریورماه (قسمت دهم)

زهرآذر مگین

دو نکته مناسبی و مقدماتی

۱. مناسبت روز مباحله: جمعه این هفته (۲۴ ذی‌الحجه) روز مباحله است و این روز از اعیاد مطرحی است که از جهات مختلفی برای شیعه مهم می‌باشد. نازل شدن آیه مباحله و شأنیت و مطرح شدن اصحاب خمس (کساء) در این روز، مهم است. اهمیت مباحله به جهت ایجاد شیوه‌ای جدید در احتجاج است که این شیوه منحصر به رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌باشد. این شیوه احتجاج خیلی شبیه به ختمیت رسالت است. به نظر می‌رسد هنوز به اسراری که در مباحله است، پرداخته نشده و مطرح نشده‌اند. خیلی لازم است که در مورد آن کار شود. یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه امت‌سازی همین موضوع شیوه مباحله است. این دلالت ظاهری را گفتم تا اگر ان‌شاءالله زمانی به

بحث امت‌سازی وارد شدیم به‌طور مفصل به آن بپردازیم.

۲. خوشامدگویی به حجاج: ورود سرافرازانه حاجیان به میهن، جای تبریک دارد. ان‌شاءالله سفرشان ذخیره همه ما شود و به وسیله اعمال صالح این ذخیره تشدید شود و در اختیار همه جمع قرار بگیرد و علاوه بر اینکه خودشان نفع می‌برند، همه نفع ببرند. به‌نظم پدیده نادری است که از یک جمع، تعداد قابل توجهی از آنها در حج حضور داشته‌باشند. به‌ندرت ممکن است چنین اتفاقی برای خانواده‌ای بیفتد، که برای خانواده مدرسه قرآن این اتفاق افتاده‌است. شبیه به یک رویا می‌ماند! زمانی که بنده حج رفتم به‌ذهنم رسید آنقدر این مراسم با عظمت است که هر سال باید حداقل یک نفر از مجموعه در آنجا حضور داشته باشد اما به‌ذهنم نمی‌رسید که یک‌دفعه ۲۰ نفر از جمع‌مان در آنجا حاضر شوند! به‌ذهنم این‌طور متبادر می‌شود که ان‌شاءالله در سال‌های آینده باشکوه‌تر، با عظمت‌تر و با تعداد جمعیت بیشتری اتفاق بیفتد، منتهی هیچ چیزی مثل نویرش نمی‌شود! کاری که نوبرانه است، ممکن است کمی



آدم را غافل گیر کند یا بی‌برنامه باشد و آدم نداند که چطور از آن استفاده کند، اما خود آن نوبرانگی‌اش خیلی جالب است و ان‌شاءالله که این نوبرانگی برایمان میمون و مبارک باشد و برای مدرسه و کشور و بلکه همه عالم منشاء تحولات شود، به نحوی که ان‌شاءالله همه عالم از فهم تدبری که آنها را به امام نزدیک می‌کند، بهره‌مند شوند و قرآن، در همه عالم گسترش پیدا کند. می‌شود به

این ذخیره چنین امیدی داشت. اینکه دوستان با خطرات احتمالی که وجود داشت تشریف بردند و می‌دانستند که اگر رفتند ممکن است برنگردند، خیلی مهم است.

خوب است تجربیات حاجیان جمع‌آوری و منتشر شود که این نوبرانه برای مدرسه قرآن باقی بماند. چون ان‌شاءالله دوستان دیگری سال‌های بعد هم می‌روند و باید برنامه‌ریزی کنند که بروند. کسانی که حج رفته‌اند، تصدیق می‌کنند که حج، منسکی است که باید در جوانی رفت. یعنی آدم باید در جوانی به حج برود تا تصمیماتی برای زندگی‌اش بگیرد، والا اگر در سنی برود که دیگر تصمیم گرفتن معنا نداشته باشد که خیلی خوب نیست. ما هم قصد داریم در تصمیماتی که حاجیان بناست بگیرند، سیمیم باشیم و اگر کمکی از دستمان بر بیاید، ان‌شاءالله در خدمتشان هستیم. وظیفه ما این است که *«تعاونوا علی البر و التقوی»* بکنیم و آنها باید بر و تقوا را تعریف کنند، تا ما هم تعاونوا را انجام دهیم!

اصول جهاد در سبک زندگی رزمندگان

بحث ما در رابطه با جهاد بود. در سفر اخیر به

عتبات عالیات، در حرم امیرالمومنین علیه السلام متنی را برای جلسات جهاد آماده کردم. در حرم ایشان در حوزه جهاد سوال کردم که اگر شما بخواهید یک زندگی رزمندگانه به ما عطاء کنید، چه توصیه‌هایی دارید؟

منظور از زندگی رزمندگانه این است که فرد مال خودش نباشد و وقف دین شود، زندگی جهادی داشته باشد یعنی چابک، متحرک، گوش‌به‌زنگ و فعال باشد، در صحنه حاضر

باشد و بشود روی او حساب کرد، به او عملیات داد، از او انتظار فتح داشت، از او انتظار ورود به میدان‌های سخت داشت و از حالت رخوت به‌دور باشد. مثلاً از مقدمات این زندگی این است که فرد هر روز ورزش کند. چون وقتی می‌گوییم رزمندگی، یک بسته‌ی جامع منظور است. فرد نمی‌تواند مُفَنگی و جُلّاق باشد و بعد بگوید می‌خواهم رزمنده باشم! اینکه معنی

ندارد! باید تغذیه درست باشد، بدن سالم باشد و اهل ورزش باشیم. نمی‌دانم چطور کسی که این کارها را انجام نمی‌دهد، می‌تواند چنین سوالی بپرسد! خودم قبل از اینکه از حضرت علیه السلام سوال کنم، چیزهایی را که می‌دانستم ذکر کردم و قول دادم که آنها را انجام دهم، تا اینکه حضرت علیه السلام عنایت کرده و این چند مورد را هم به‌ذهنم متبادر کردند. یعنی تا وقتی من قول ندادم که به چیزهایی که می‌دانم عمل کنم، حضرت علیه السلام عنایتی نکردند. نوعاً اهل بیت علیهم السلام این‌طورند و در جواب‌دادن خیلی اوقات سخاوت به خرج نمی‌دهند. در مسائل مادی هرچه فرد بخواهد، می‌دهند اما در سوال و جواب‌های علمی، حتماً ضابطه دارند. این‌طور نیست که هر چیزی را به هر کس بدهند. نسبت به بیان حقایق علمی به هر کسی، هر چیزی نمی‌دهند و حتماً باید طرف آن چیزی که می‌داند را عمل کند تا ادامه‌اش را به او بدهند.

شش مورد زیر به‌ذهنم رسید که سرفصل‌های آن را در این جلسه بحث می‌کنیم و تفصیل آن را در جلسات بعدی خواهیم گفت، ان‌شاءالله:

۱. اول اینکه ما باید قرب به امام زمان علیه السلام پیدا کنیم، هر جوری که می‌دانیم. مثلاً دعا‌های قرب



برای این جمع و به نسبت نیازشان، افاضه کردند. بنده، اهل بیت علیهم السلام را مرده نمی بینم و مجوز هم نمی بینم که بگویم کسی از اهل بیت علیهم السلام مرده است! از اهل بیت علیهم السلام هر سوالی که پرسید، جواب می دهند. به خاطر همین می گویم ما رفتیم و پرسیدیم و آن ها هم این جواب را دادند. ممکن است نکات آمیخته به ذهنیات و تخیلات ما باشد اما می شود راجع به همین نکاتی که عرض شد، فکر کرد.

هرکس فکر کند و یک دعا برای خودش و یک دعا برای بقیه کند. آدم وقتی می خواهد دعا کند باید فکر کند. می شود دعا کرد که خدا از تقصیرات ما بگذرد، می شود دعا کرد که خدا کمبودها و نواقص مان را جبران کند. کارهایی را نکرده ایم

و به واسطه نکردن های ما جمعیت های زیادی از هدایت افتادند، افرادی که در آفریقا، ایتوپیا و کشورهای مختلف آمریکایی، اروپایی، هندی و چینی بودند و افرادی که می توانستیم در هدایت آنها دخیل باشیم، اما نشدیم را، بخواهیم که خدا خودش جبران کند و جوری کمک کند که کارمان به هدایت جمعی عالم که به زودی در حال شکل گیری است، ملحق شود و اصلاً آن را کانون این حرکت قرار دهد، ان شاء الله، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

ادبیات تواضع مخلوط کنیم که چیز خوبی از آب در نمی آید! از طرف می پرسند شما چه کار می کنید؟ می گوید هعی، هیچی! این ادبیات خوب نیست. وقتی چنین فردی را که می بینند، دلش افراد مرده می شود. اما اگر فرد بگوید ما آماده ایم، در صحنه ایم،



یا اینکه ما بی کاریم اما آماده کار کردن ایم و غیر از این هم کاری نداریم، ادبیات خیلی متفاوتی است. ۴. چهارم، اخلاص در عمل است که ما بحث های زیادی در رابطه با آن شنیده ایم. ۵. پنجم، بحث علم داشتن و علم تخصصی است. ۶. ششم، بحث سرعت است. البته ممکن است موارد دیگری هم اضافه شود اما به نظرم این شش مورد خیلی مهم اند و می توانند زندگی ما را خیلی تغیر دهند و ما را وارد صحنه های جدی کنند. این ها مواردی بود که امیرالمومنین علیه السلام

به امام زمان علیه السلام را بدانیم و بخوانیم. امام زمان علیه السلام هم شخص مشخصی است. امام دوازدهم است و منظور به غیر از ایشان، فرد دیگری نیست. ممکن است یکی از راهبردهای آن التزام به ولایت فقیه باشد اما منظور الان مان، بدون هیچ کم و کاستی امام زمان علیه السلام است.

۲. دوم، بحث طهارت است که طهارت خاصی است که بعداً در رابطه با آن خواهم گفت. طهارت باید تخصصی و برگرفته از سوره ها باشد. برای هر سوره ای طهارتی وجود دارد. ۳. سوم بحث داشتن ادبیات و کلام مجاهدانه است که به نظر مهم می آید. ادبیات جهاد، ادبیات مهمی است. هر زندگی

یک ادبیاتی دارد، جهاد هم ادبیاتی دارد. نوعاً ما از بحث ادبیات غفلت داریم و اغلب ضربه هایمان را هم از این نقطه می خوریم. مثلاً وقتی به طرف می گویند حالت چطور است؟ می گوید ما که ذلیلیم! ما که بدبختیم! این ها ادبیات مجاهدانه نیست! ادبیات جهادی، ادبیات خاصی است که طرف را که می بینی بگویی: وای! عجب فلفلی است! چقدر فعال است! آدم وقتی با او حرف می زند بلافاصله حالت حرکت، پویایی و نشاط در او انتقال پیدا می کند. نوعاً ما می خواهیم آن را با

یادداشت ادبی

عقبه هایی برای دیدار تو

به مناسبت اقام ایام حج ابراهیمی علیه السلام و برگرفته از سوره مبارکه بلد

من قسم ها بخورم یا نخورم؟
که عقبه های مفتخر شدن به دیدار تو، معین شد؛
عقبه هایی از جنس آزادی از اسارت و بردگی،
عقبه هایی از جنس مهربانی و یتیم نوازی،
و عقبه هایی از جنس گذر از تعلقات شرافت برافکن.

من قسم ها بخورم یا نخورم؟
که مفتخر شدند عالمیان به طی عقبه های عشق؛
عقبه هایی از جنس آزاد شدن،
عقبه هایی از جنس امن شدن،
عقبه هایی از جنس نزدیک شدن،
عقبه هایی از جنس مبارک شدن،

برای دیدار آن رسول محبوب در آسمان و زمین،
برای دیدار آن شرافت و اعتبار زمین و زمان،
برای دیدار آن رسول امنیت بخش به عالم و عالمیان.

من قسم ها بخورم یا نخورم؟
که تو مایه شرافت زمین و زمانی...
آن هنگام که نورت آفریده شد،
آن هنگام که قدم هایت پا به عرصه وجود نهاد،
و آن هنگام که در زمین مکه ساکن شدی.

من قسم ها بخورم یا نخورم؟
که والد و ولد به عشق دیدار تو راهی این دیار شدند...
قربانی دادند و عقبه ها طی کردند،
تا مفتخر شوند به بنا کردن مکانی برای حضور تو،
آری! که عشق دیدار تو را آزمودن می خواهد و مفتخر شدنی.

من قسم ها بخورم یا نخورم؟
که منسک ابراهیم علیه السلام، منسک طی عقبه برای دیدار تو بود،
منسک عبور از گذرگاه های عشق برای رسیدن به تو،
همان منسکی که سفر به دیار عشق نام گرفت،
همان منسکی که هویتش گردش به گرد تو بود.

یادداشت ادبی

سلام بر راه پیمای راه نما

به مناسبت غدیر خم و برگرفته از سوره مبارکه طارق

ای انسان!
تو را می خوانند!
از آسمان!
به نام کسی که پیمایندۀ راه است،
و چون ستاره ای در تاریکی شب می درخشد،
و با توان نافذش در تمام مسیر راه را برایت روشن می کند،
باجاذبه ای خیره کننده!

ای انسان هبوط کرده!

بدان که بازگشت تو به آسمان است!
و هم او که تو را از هیچ خلق کرده است
بر بازگرداندنت تواناست؛
و تو در زمین قرار گرفته ای تا شکوفا شوی و تعالی یابی؛
پس همتت را بر آن بگمار!
تا در روزی که نیرو و یاوران امروز را نخواهی داشت یاریت رساند؛

به درستی که در وحشت و فراز و فرود این مسیر بی نهایت،
همواره حفظ خواهی شد.

یادداشت علمی

ذکر؛ برپاکننده حصن

برگرفته از مباحث کلاس تدبیر در روایات و ادعیه

تنوع ذکرها، مانند تنوع استحکامات و مصالحی است که در یک قلعه می تواند مورد استفاده قرار بگیرد تا آن را از هر جهت، غیرقابل نفوذ کند.

آنچه باعث می شود انسان خود را محتاج به ذکر دائمی بداند، فهم مفهوم دشمن جدی و نفوذش از راهی که خارج از اختیار و مشاهده انسان است، می باشد. البته نیاز هر لحظه انسان به دریافت حکم و فهم معیار برای جلو رفتن در مسیر، از منبعی غیبی و الهی، نیز مزید بر علت است.

«اللهم اجعلنی فی درعک الحصینه الّتی تجعل فیها من ترید»^۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دُرْعَتِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تَرِيدُ

۱. «یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما أخرج أبویکم من الجنّة یزّغ عنهما لباسهما لیریهما سوأتهمَا إِنَّهُ یَراکم هُوَ وَ قَبیلُهُ مِنْ حَیْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّیَاطِینَ أَوْلِیَاءَ لِلَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ»؛ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، لباس ایشان را از تن شان می کند تا عورت هاشان را به ایشان بنمایاند، شیطان و دسته وی شما را از آنجایی می بیند که شما نمی بینید، مایشیطانها را سرپرست کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند (سوره اعراف، آیه ۲۷).

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۴. ترجمه: خدایا مرا در زره محکم خود قرار ده، همان زرهی که هرکس را بخواهی در آن قرار می دهی.

هر انسانی یک خلوت محض بین خودش و خدایش دارد. در آن خلوت، اتفاقات زیادی از جانب خدا تقدیر و از جانب انسان فهمیده می شود. این خلوت، آبی است بر هر آتش افروزی شیطنت آمیزی.

در واقع همه ی آنچه شیطان می تواند انجام دهد، فراموشاندن انسان و ایجاد نسیان درباره این حریم و ارتباط خصوصی است. هر آنچه او می کند ذیل مفهوم به غفلت انداختن می گنجد، حال با انواع سرگرمی ها از لغو، لهو و لعب، با غرور (فریب)، با زینت بخشیدن، با توهّم علو، با وسوسه به انواع تعدی ها، طغیان ها، ظلم ها و ...

کارکرد ذکر دقیقاً در مقابل چنین نسیانی است. ذکر، خیمه یا به تعبیر دقیق تر، حصن و دژ مستحکمی می سازد که حریمی خصوصی بین انسان و خدا ایجاد می کند.

ذکر، دیوارهای دژ است که هر لحظه در مشّت انسان است! به محض اینکه به آن متذکر شود، خیمه را برپا می کند و در امانش پناه می گیرد.

تکرار ذکر یا مداومت بر حالت متذکر بودن، مانند تداوم در چیدن آجرهای دیوار یک قلعه است! آجر چیدن تا بالا، کاری تکراری به نظر می آید اما هیچ آجری تکراری نیست و اگر نباشد تک تک آنها، دیوار بلندی بر فراز نمی شود.

پیشخوان

برگزاری جلسه نقل تجربیات معنوی توسط حاجیان امسال

برنامه ریزی ها و تصمیمات فردی و جمعی، جلسه ای با حضور حجاج محترم، پنجشنبه هفته جاری ۳۰ شهریورماه، ساعت ۱۰-۱۳ در مکان مدرسه قرآن برگزار خواهد شد.

چنانکه در مطلب ستون خطابه ذکر شد، تعداد قابل توجهی از اعضای مدرسه قرآن امسال مشرف به حج تمتع شدند. در همین راستا و جهت دریافت سوغاتی های معنوی از تجربیات ارزشمندشان برای بهره گیری در

